

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

ضمیمه انترناسیونال شماره ۹۱۲
سه شنبه ۳ فروردین ۱۴۰۰ - ۲۳ مارس ۲۰۲۱

ایران در سالی که گذشت

این نوشته بر مبنای مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی تدوین شده است



حمید تقوایی: اولین نکته اینست که شیوع ویروس کرونا یک مساله و میشود گفت یک فاجعه جهانی بود که تمام دنیا را تحت تاثیر قرار داد و زندگی مردم جهان را در واقع نیمه فلج کرد. بسیاری از کشورها با بحرانهای اقتصادی و اجتماعی روبرو شدند و در واقع به نحوی همه دنیا غافلگیر شد. گرچه این اپیدمی قابل پیش بینی و قابل پیشگیری بود ولی نظام هائی که محورشان سودآوری و سوداندوزی هست آخرین چیزی که به آن اهمیت میدهند سلامت و بهداشت شهروندان و جلوگیری از چنین فجایعی است. به این معنی این اپیدمی یک فاجعه تماما طبیعی نیست بلکه فاجعه ای است ناشی از نظام سرمایه داری که بر محور سود میچرخد و نه بر محور رفاه و پاسداری از زندگی انسانها.

در جمهوری اسلامی این وضعیت را باید ضرب در صد

خلیل کیوان: علیرغم مشکلات و محدودیت ها و فشارهای گوناگون در سال گذشته، مبارزه علیه حکومت همچنان گسترش یافت. در این مصاحبه به برخی از مهمترین رویدادهای سال گذشته میپردازیم.

در سالی که پشت سر گذاشتیم اولین و مزمن ترین مساله اپیدمی کرونا بود که از ماه های پایانی سال ۹۸ شروع شد و در نتیجه پنهان کاری و اهمال کاریهای حکومت در سال گذشته بیش از پیش شیوع یافت. در مقابل، اعتراضات مردم نسبت به سیاست های حکومت برای مقابله با کرونا هم گسترده تر شد. مردم دست بکار شدند. سمن های مبارزه با کرونا را تشکیل دادند. و در خارج کشور هم ستاد مبارزه با کرونا تشکیل شد. چه ارزیابی از این مساله دارید؟ سیاست حزب چه بود؟



و سازماندهی و جمع آوری کمکهای مالی برای قربانیان کرونا و خانواده هایشان.

این بطور فشرده وضعیتی است که کرونا در ایران ایجاد کرده است.

خلیل کیوان: در سال گذشته در زمینه های دیگری بجز مقابله با کرونا نیز مبارزات ادامه داشت. سال ۹۹ سال گسترش اعتراضات و اعتصابات بود. مراکز کارگری چون هفت تپه و نفت و فولاد اهواز از قانون های این اعتراضات بودند. تجمعات سراسری معلمان و بازنشستگان در سراسر کشور برپا شد. بیانیه های متعددی از طرف تشکل های کارگری و معلمان و بازنشستگان در زمینه های مختلف منتشر شد. از جمله اعتراض و مبارزه در رابطه با افزایش دستمزد به بالای ۱۲ میلیون تومان که در ماههای پایانی سال شکل گرفت و هنوز هم ادامه دارد. تاثیر این اعتراضات در فضای سیاسی جامعه چیست و آیا اینها زمینه ساز یک اعتراضات گسترده تر در سال آتی هستند؟

حمید تقوایی: به نظر من سال گذشته را اگر بخواهیم با یک جمله توصیف کنیم باید آنرا سال گسترش و پیشروی

وارد نکردند و هنوز هم با کمبود شدیدی مواجه اند. آمار قربانیان این بیماری مهلک همچنان رو به افزایش است.

به این ترتیب باید گفت که کرونا در ایران فاجعه ای است که حکومت نقش اساسی ای در ایجاد آن داشته است. جمهوری اسلامی بعنوان همدست این بیماری مهلک وارد عمل شد. جامعه به این عملکرد واکنش نشان داد. همانطور که اشاره کردید نهادهای مختلف خودیاری و کمک رسانی مردم به مردم تشکیل شد، سازمانهای مردم نهاد و یا سمن ها شکل گرفتند و بخصوص پرستاران و کارگران بیمارستانها و خدمات بهداشتی و پزشکان قدم جلو گذاشته و به کمک مردم شتافتند. کسی به حکومت امید و اعتمادی نداشت. همه میدانستند حکومت جزئی از مساله است و نه راه حل. این تلاشها تا امروز ادامه دارد.

در خارج کشور نیز به ابتکار حزب ستاد مقابله با کرونا تشکیل شد و این ستاد توانست با فعالین در ایران ارتباط برقرار کند و بخصوص همراه با پرستاران و جامعه پزشکی و کارگران خدمات درمانی و بیمارستانها نقش فعالی داشته باشد در کمک رسانی

بکنید. چون رژیمی در ایران حاکم است که آنچه برایش مطلقا ارزشی ندارد جان انسانها است و این را بارها نشان داده است. این حکومت قاتل مردم ایران است و نه نماینده آنها و در رابطه با ویروس کرونا هم عینا همینطور عمل کرد. اگر بخاطر داشته باشید شیوع کرونا در ایران با پرواز هواپیماهای ملی ایران به چین شروع شد و حتی بعد از اینکه مساله رو شد و معلوم شد منشا گسترش ویروس کرونا چین است این پروازها همچنان ادامه پیدا کرد. پروازهایی که طلبه های چینی را به شهر قم میبرد و می آورد. در نتیجه شهر قم به مرکز این بیماری مهلک تبدیل شد اما جمهوری اسلامی از قرنطینه این شهر خودداری کرد. ابتدا شیوع این بیماری را کلا مخفی و انکار کردند چون میخواستند نمایش انتخاباتیشان تحت الشعاع قرار نگیرد و بعد کسانی که آمار واقعی بیماران و فوتی ها را منتشر میکردند تحت تعقیب قرار دادند و مراسم و تجمعات مذهبی را همچنان برگزار کردند و غیره. این وضعیت تا امروز ادامه دارد. علاوه بر خرافاتی که به خورد مردم دادند حتی در رابطه با واکسن این بیماری هم ایدئولوژیک برخورد کردند. واکسن از کشورهای غربی

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ادامه از صفحه ۱

جنبش کارگری بنامیم. اعتصابات کارگری، تجمعات معلمان و بازنشستگان، مراکزی مثل هفت تپه و فولاد اهواز اعتصابات مستمری داشتند و بخصوص کارگران نفت به یک شکل گسترده و سراسری پا به میدان گذاشتند و دست به اعتصابات متعددی زدند. این حرکتها همچنان ادامه دارد.

این اعتصابات هم از نظر کمی و ابعاد سراسری مبارزه بیسابقه بود و هم از نظر مضمون و کیفیت رادیکال تر و تعرضی تر از گذشته بود. منظوم از کیفیت تعرضی تر این است که کارگران خواسته‌هایی را مطرح کردند که مستقیماً سیاستهای اقتصادی حکومت را زیر سؤال میبرد. مثلاً هفت تپه علیه خصوصی سازی و فساد و دزدی و چپاولی که بوسیله شرکت‌های خصوصی و نیمه خصوصی نیمه دولتی، و یا بقول خود حکومتیها خصولتی، صورت میگیرد، ایستاد. یک شعار محوریش خلع ید از کارفرما و بخش خصوصی بود. و این فقط حرف هفت تپه نیست. اکثر مراکز تولیدی در ایران چنین وضعیتی دارند و کارگران هفت تپه به نمایندگی از همه کارگران در برابر این سیستم ایستادند و خواهان خلع ید از بخش خصوصی ای شدند که دست در دست دولت و مقامات محلی و سراسری مشغول دزدی و چپاول دسترنج کارگران است. این یک پرچم جنبش کارگری بود.

موضوع دیگر مساله پیمانکاران و مقاطعه کاران و شرکت‌های واسط در صنعت نفت بود. شرکت‌هایی که بین کارفرما و کارگر قرار میگیرند و سخت ترین شرایط کاری را به کارگران تحمیل میکنند. کارگران اعتصابی نفت خواهان قطع دست پیمانکاران شدند و این هم فقط مختص به صنعت نفت نیست بلکه مساله سراسری اکثر مراکز تولیدی در ایران است.

مساله مورد اعتراض دیگر مناطق ویژه اقتصادی بود.

مناطقى که هیچ قانونی بر آنها حاکم نیست و همه چیز به توحش بازار آزاد سپرده شده است. توحشی که کارگران موقت و پیمانی را بدون قراردادهای دسته جمعی و بدون هیچ تضمین و تعهدی بکار میکشد و هر موقع اراده کند آنها را اخراج میکند و هزار و یک مساله دیگر. کارگران این بردگی را هم نمی پذیرند.

به این ترتیب جنبش کارگری از نظر مضمونی وارد نقد و اعتراض به سیاست های کلان اقتصادی در مناطق مختلف شد و این یک گام بزرگ به پیش بود.

حرکت دیگری که به آن اشاره کردید مبارزه بر سر دستمزد است. جنبش کارگری یک صدا و یک پارچه خواهان افزایش دستمزدها به بیش از ۱۲ میلیون تومان شده است. این خواست را کارگران فولاد اهواز و بسیاری از تشکلهای آنها و کمیته های مختلف فعالین کارگری متحدانه اعلام کردند و جنبش معلمان و بازنشستگان در این حرکت با کارگران همراه شد و به تجمعات سراسری فراخوان و شکل داد.

اینها خلاصه ای از برآمدهای جنبش کارگری در سال گذشته بود. البته بسیاری از مراکز دیگر کارگری هم در این مبارزات و اعتصابات شرکت داشتند که در اینجا فرصت پرداختن به همه آنها نیست. مجموعه این شرایط است که باعث میشود سال گذشته را سال پیشروی های گسترده جنبش کارگری در ایران بنامیم.

خلیل کیوان: اعتراضات در زمینه های دیگر هم چشمگیر بود. مثلاً مبارزات علیه زن ستیزی حکومت و سیاست آپارتاید جنسی. هشت مارس امسال خیلی نسبت به سالهای پیش متفاوت و میشود گفت استثنائی بود. نه فقط در داخل و خارج کشور و در اشکال مختلف تجمعات مختلفی که به خاطر اپیدمی کرونا عمدتاً اینترنتی بود برگزار شد، بلکه شاهد اجتماعی شدن این روز بودیم.

” کارگران خواستهای را مطرح کردند که مستقیماً سیاستهای اقتصادی حکومت را زیر سؤال میبرد. مثلاً هفت تپه علیه خصوصی سازی و فساد و دزدی و چپاولی که بوسیله شرکت‌های خصوصی و نیمه خصوصی دولتی، و یا بقول خود حکومتیها خصولتی، صورت میگیرد، ایستاد. یک شعار محوریش خلع ید از کارفرما و بخش خصوصی بود. و این فقط حرف هفت تپه نیست. اکثر مراکز تولیدی در ایران چنین وضعیتی دارند و کارگران هفت تپه به نمایندگی از همه کارگران در برابر این سیستم ایستادند و خواهان خلع ید از بخش خصوصی ای شدند که دست در دست دولت و مقامات محلی و سراسری مشغول دزدی و چپاول دسترنج کارگران است. این یک پرچم جنبش کارگری بود.“

پيام دادند و این روز را بزرگ داشتند.

مجموعه این فعالیتها یک تعرض و پیشروی بزرگ بود بر سر یکی از اساسی ترین مسائل جامعه ایران یعنی آپارتاید جنسیتی و بیحقوقی مفرط زن. جمهوری اسلامی بر پنجاه درصد جامعه انواع بی حقوقی ها را تحمیل کرده است و هشت مارس امسال روز اعتراض زن و مرد بود علیه این بی حقوقی های فاحش در جمهوری اسلامی.

خلیل کیوان: سال گذشته از نظر دیپلماتیک هم ددرسهای زیادی برای جمهوری اسلامی داشت. یکی از این مسائل محکومیت یک دیپلمات برجسته جمهوری اسلامی در بلژیک بود که به جرم ترور به بیست سال حبس محکوم شد. این بالاترین حکمی است که یک نفر میتواند در بلژیک بگیرد. تروریسم جمهوری اسلامی در خارج اولین بار است که یک مقام حکومتی به بالاترین میزان حبس در اروپا محکوم شده است. بعلاوه مساله شلیک به هواپیمای اوکراینی هم در سال گذشته یک مساله داغ

حجاب رضاخانی را برجسته میکنند، در هشت مارس امسال جامعه عملاً یک صدا اعلام کرد که هیچیک از اینها را نمی پذیرد. هشت مارس یک سنت چپ، یک سنت سوسیالیستی و یک سنت کارگری است و جامعه وسیعاً این روز را بزرگ داشت و جواب محکمی داد به خود حکومت و جریانات راست که میخواهند روز زن را در یک لفاقه مذهبی و ملی- میهنی بپیچند. جامعه این را هیچگاه نپذیرفته و در هشت مارس امسال متحد تر و رساتر از همیشه این واقعیت را اعلام کرد و پرچم نقد رادیکال و تعرضی و کوبنده سوسیالیستی علیه تبعیض بر زن و علیه بیحقوقی زن را بلند کرد. از این نقطه نظر هم هشت مارس امسال اهمیت زیادی داشت.

نبض حزب ما هم با نبض جامعه میزند. ما در خارج کشور و در داخل کشور به استقبال هشت مارس رفتیم و فعالیت‌های متعددی را سازمان دادیم. در کشورهای مختلف برنامه های زنده آنلاین و تلویزیونی برگزار کردیم که دهها نفر از اکتیویست های جنبش زنان و رنگین کمانی ها و اته نیستها از ایران و افغانستان و ترکیه و کشورهای اروپائی به فراخوان ما جواب مثبت دادند و در این سمینارها شرکت کردند و یا

این روز را مردم به هم تبریک میگفتند. میخواهم از شما بپرسم چه ارزیابی ای از هشت مارس امسال دارید؟ حزب چه نقشی در برگزاری برنامه های هشت مارس داشت؟

حمید تقوائی: من هم باید تاکید کنم که هشت مارس امسال کاملاً استثنائی بود و تبدیل شد به یک حرکت واقعا گسترده توده ای در ایران. این روز از یک طرف بعنوان جشن و روز بزرگداشت مقام زن از جانب بخش وسیعی از جامعه برسمیت شناخته شد و ما شاهد سیر تبریک های متقابل و شادباش ها بودیم - از جمله خطاب به حزب ما و نهاد انقلاب زنان و سازمان جوانان - و از سوی دیگر روز اعتراض کوبنده و وسیع جامعه بود علیه آپارتاید جنسی و علیه تبعیض و بیحقوقی تحمیل شده به زنان و علیه زن ستیزی جمهوری اسلامی و علیه مقدسات و تابوهای اخلاقی گندیده و پوسیده اسلامی و مردسالارانه. علیه همه اینها بیانیه های رادیکال متعددی داده شد.

نکته دیگر این است که در مقابل جمهوری اسلامی که سعی میکند روز تولد فاطمه را روز زن عنوان کند و در برابر نیروهای راست و اپوزیسیون سلطنت طلب که روز کشف

ادامه از صفحه ۲

بود و خانواده های قربانیان در دادخواهی عزیزانشان بسیار فعال بودند. در روزهای پایانی سال هم گزارش مربوط به سقوط هواپیمای اوکراینی که جمهوری اسلامی منتشر کرد با اعتراض خانواده ها و همچنین دولت های اوکراین و کانادا مواجه شد. اعلام کردند

این گزارش از حقیقت طفره میروید و قابل پذیرش نیست. جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت آدمکش در افکار عمومی مردم جهان هرچه بیشتر معرفی و افشا میشود. ارزیابی شما از این واقعه و موقعیت جهانی جمهوری اسلامی چیست؟

حمید تقوایی: در سال گذشته موارد بیشتری از این نوع وقایعی که اشاره کردید را شاهد بودیم.

یک مورد انتشار گزارش سازمان عفو بین الملل در رابطه با جنایات جمهوری اسلامی بود با عنوان "ویرانگران انسانیت" که شدیدتر و صریح تر از همیشه نقض حقوق بشر و بویژه اعدام معترضین در ایران را محکوم کرده بود.

مورد دیگر حرکت اعتراضی جهانی در اعتراض به حکم اعدام نوید افکاری بود. در سطح بیسابقه ای مردم جهان در مدیای اجتماعی به این حرکت پیوستند و این یک جهش بزرگ برای جنبش علیه اعدام محسوب میشود.

این حرکت در واقع بزرگترین رفاندم اینترنتی در دنیا با میلیاردها بازدید کننده و حمایت کننده پیامهای اینترنتی علیه اعدامها در ایران بود. بدنبال این حرکت نهادهای بین المللی و دولتها علیه اعدام معترضین در ایران موضع گرفتند و ۴۷ دولت اروپائی این امر را محکوم کردند.

از طرف دیگر همانطور که اشاره کردید پرونده سقوط هواپیمای اوکراینی به یمن فعالیت های خانواده های قربانیان این فاجعه باز نگه داشته شد و هر چه بیشتر جهان متوجه شد که شلیک به هواپیما امری عمدی بوده است. امروز حتی برخی از دولتها هم به این نتیجه رسیده اند که این جنایت عامدانه بوده است و گزارشات جمهوری اسلامی را که مامورین جزء را مسئول قلمداد میکنند نمی پذیرند.

به اینها باید پرونده های تروریستی مقامات جمهوری اسلامی را اضافه کرد. پرونده هایی که به دادگاه کشیده شد و به محکومیت متهمین انجامید و همه دنیا فهمید که سفارتخانه های جمهوری اسلامی در راس عملیات تروریستی قرار دارند.

مجموعه این تحولات در این جهت حرکت میکنند که دنیا هر چه بیشتر در برابر جنایات جمهوری اسلامی بایستد، مجامع بین المللی و دولتها آنرا محکوم کنند و



بعنوان یک دولت تروریستی به جمهوری اسلامی برخورد کنند، علیه اعدامها بایستند و کلا جمهوری اسلامی را در جهان منزوی کنند. گرچه این روند از سال های قبل آغاز شده بود ولی در سال ۹۹ اعتراض به جمهوری اسلامی به یک حرکت گسترده در سطح جهانی تبدیل شد.

بر این مبنا هست که حزب ما کارزار بایکوت جهانی جمهوری اسلامی را در دستور گذاشته است. ما فکر میکنیم شرایط برای تحقق این امر کاملا مهیا است و میتوان به کمک افکار عمومی در کشورهای غربی، به کمک مردم شریف و به کمک نیروها و نهادهای مترقی

و چپ و آزادیخواه دولت ها را به آنجا برانیم که روابطشان را با جمهوری اسلامی قطع کنند و از نظر سیاسی و فرهنگی و ورزشی آنرا بایکوت کنند. به



خودش در دست دارد.

نظر من زمینه جهانی این امر فراهم است و این برای جنبش سرنگونی طلبانه مردم و جنبش های حق طلبانه جاری در ایران گام بلند و تعیین کننده ای به جلو خواهد بود.

خلیل کیوان: طی سال گذشته دعوی جناح ها هم بالا گرفت. به چند فراز این جدال اشاره کنم: انتخابات دوره یازدهم مجلس که از ماه های پایانی ۹۸ شروع شد و در ۹۹ ادامه یافت و به تفوق جناح خامنه ای منجر شد بی رونق تر و سوت و کور تر از هر دوره ای بود. نمایش دهه فجر که قرار بود اقتدار نظامشان را به رخ بکشند به رو در رویی جناح ها بدل شد و موتورسواران علیه روحانی شعار دادند؛ و هم اکنون در مورد مذاکره با آمریکا پای یکدیگر را لگد میکنند و برای اینکه چه کسی سکان مذاکره را بدست بگیرد با هم رقابت میکنند. تاثیر این جدال ها بر موقعیت جمهوری اسلامی چیست؟

حمید تقوایی: این رقابتها اولاً حاصل و حاکی از اینست که مردم زمین را زیر پای اینها داغ کرده اند. اعتراضات و اعتصابات و کلا تحولاتی که به آنها اشاره کردم جمهوری اسلامی را کاملاً در تنگنا قرار داده است وقتی چنین فشارهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ای حکومت را در منگنه قرار میدهد طبعاً جناحها به جان هم می افتند. هر یک مسائل را به گردن جناح رقیب می اندازد و ادعا میکند راه نجات را جناح

مجلس است و اینها را با یکی از متزلزل ترین و در هم ریخته ترین دوره های حکومتش روبروست و این بنوبه خود میتواند تأثیرات مثبتی بر رشد حرکت اعتراضی مردم داشته باشد. مردم هر چه بیشتر ضعف و درهم ریختگی اینها را ببینند تعرض بیشتری خواهند کرد.

ادامه در صفحه ۴

ادامه از صفحه ۳

نیست در انتخابات مجلس یازدهم جناح خامنه ای دست بالا را پیدا کرد و در انتخابات پیش رو هم خط خامنه ای میخواید نفوذ خودش را حفظ کند و این هم باز بنوبه خودش به تشتت ها و درگیری های بیشتری در صفوف حکومت منجر خواهد شد.

من در چشم انداز نمی بینم که جناحهای حکومتی بتوانند به نوعی اتحادی حتی نظیر چهار یا پنج سال قبل برسند و در سال تازه هم ما شاهد در هم ریختگی بیشتر صفوف حکومت خواهیم بود.

خلیل کیوان: سؤال دیگر من در مورد موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه است. ما در این رابطه هم تغییراتی را شاهد بودیم. مردم لبنان و عراق بویژه علیه حضور و دخالت های جمهوری اسلامی در این کشورها اعتراضاتی را برپا کردند. اسرائیل و کشورهای عرب وارد ائتلاف علیه جمهوری اسلامی شدند. و این هم موقعیت رژیم را تضعیف کرد. موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه را چگونه ارزیابی میکنید؟

حمید تقوایی: مهمترین فاکتور در منطقه اعتراضات توده مردم در کشورهای است که جمهوری اسلامی در آنها نفوذ دارد و سعی میکند از طریق نیروهای اسلامی وابسته به خودش کنترل اوضاع را بدست بگیرد. رژیم مشخصا برای سال ها در عراق و سوریه و در لبنان حضور فعالی داشته و بعنوان یک نیروی ارتجاعی و ضد مردمی عمل کرده است و امروز در همه این کشورها می بینیم اعتراضات توده ای آغاز شده است و یک خواست مردم قطع دست جمهوری اسلامی و نیروهای وابسته به او است.

در عراق این اعتراضات از سال ۹۸ شروع شد و در سال گذشته هم ادامه یافت. مردم عراق خواهان جمع کردن بساط دولت قومی- مذهبی در آن کشور هستند

و به همین دلیل هم یک خواست محوری آنها خلع ید از جمهوری اسلامی و دار و دسته های مسلح وابسته به آن است که بعنوان یک نیروی سرکوبگر عمل میکنند. مردم خواهان خلع سلاح این نیروها و اخراج جمهوری اسلامی از عراق هستند. در لبنان هم اعتراضات توده ای به حزب الله که دست ساز و کاملا وابسته به جمهوری اسلامی است بالا گرفته است. بخصوص بعد از انفجاری که در بیروت روی داد بدست مردم انگشت اتهام را بطرف حزب الله گرفتند و کلا سیاستها و فعالیت های حزب الله بعنوان یک نیروی وابسته به جمهوری اسلامی یکی از دلایل اعتراضات توده ای در لبنان است. در سوریه هم شاهد اعتراضات و شعارهایی علیه جمهوری اسلامی بودیم.

به این ترتیب باید گفت که فاکتور اصلی در تضعیف جمهوری اسلامی در منطقه اعتراضات و خیزش های توده مردم است. در کنار آن باید تلاش های دیپلماتیکی را هم که اشاره کردید در نظر گرفت. از جمله توافق اسرائیل با امارات و منزوی شدن هر چه بیشتر جمهوری اسلامی حتی در کمپ خودش و از جانب روسیه و دولت عراق. یکی از آخرین تحولات سال گذشته این بود که روسیه نیروهای مسلح وابسته به جمهوری اسلامی را از مناطق تحت نفوذشان در سوریه اخراج کرد و ارتش خود را در آن مناطق مستقر کرد. بعبارت دیگر حتی در کمپ خودش هم جمهوری اسلامی زیر فشار است.

در چنین شرایطی نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی روزبروز بیشتر تضعیف میشود. این وضعیت در کنار بحران داخلی، جمهوری اسلامی را در موقعیت هرچه متزلزل تر و بی ثبات تری قرار میدهد.

خلیل کیوان: به سؤال آخر میرسیم. با توجه به ناراضی و نفرت توده مردم از حکومت و فقر و تنگدستی که زندگی مردم را به کابوس بدل کرده

است و با توجه به اینکه فشار بر فعالین سیاسی و رهبران کارگری و جنبش های اجتماعی نه تنها کاهش نیافته بلکه به اشکال گوناگون ادامه دارد، این وضعیت به کجا می انجامد و سال تازه شاهد چه تحولاتی خواهیم بود؟

حمید تقوایی: به نظر من جامعه ایران بطرف یک انقلاب زیر و روکننده در حال حرکت است. سمت و جهت تحولات این هست. عواملی که شما اشاره کردید با وجود جمهوری اسلامی راه حلی ندارد. فقر، بی حقوقی، فلاکت و دستمزدهای پنج مرتبه زیر خط فقر، تبعیض فاحش علیه زنان، انواع ستم هائی که به مردم تحت عنوان بهائی و دراویش روا میشود، سرکوب و بازداشت و اعدام سیستماتیک معترضین، ستمهایی که علیه مردم منسوب به ملیتهای دیگر (غیر فارس) اعمال میشود، و یا وضعیت همجنسگراها و رنگین کمانی ها که جمهوری اسلامی خونشان را حلال اعلام کرده است و یا تخریب محیط زیست و غیره و غیره. حل تمام این مسائل در گرو سرنگون کردن جمهوری اسلامی است.

مهم اینست که علیه این شرایط فضای اعتراضی و گرایش و جنبش سرنگونی در جامعه هر روز رادیکال تر و گسترده تر میشود. جمهوری اسلامی نابود باید گردد که شعار خیزش ۹۸ بود امروز محور حرکت های اعتراضی جامعه است.

تا چند سال پیش اینطور نبود. گفتمان هائی مثل نافرمانی مدنی و قانون اساسی و رفراندوم و رژیم چنج و حتی اصلاح طلبی حکومتی و خط استحاله و نظایر آن هم گفتمان مطرحی بود و حتی در مقاطعی بر فضای اعتراضی جامعه سایه می انداخت. امروز همه اینها کنار رفته است و در یک سطح گسترده ای، نه فقط در سطح فعالین و پیشروان جنبش های اعتراضی، بلکه در میان توده مردم سرنگونی طلبی و تعرض به کل حکومت

به یک گرایش مسلط تبدیل شده است.

این جو و فضای سیاسی عمومی در جامعه است و مردم در اعتراض به هر مساله خاصی کل حکومت را به چالش میکشند. مثلا در مبارزه علیه اعدام، در هشت مارس در دفاع از حقوق زنان، در اعتصابات کارگران علیه سیاست های اقتصادی حکومت، در تجمعات بازنشستگان و معلمان و غیره و غیره همه جا مردم در برابر حکومت قرار میگیرند و میدانند باید حکومت را بزیر

کشند تا به خواست هایشان برسند. این شرایط به نظر من نوید بخش و نشان دهنده این است که یک انقلاب عظیم در جامعه دارد نیرو جمع میکند و این انقلابی است که حزب ما سعی میکند هر چه بیشتر تعمیق و تقویت شود، تیشه به ریشه این وضعیت بزند و یک جامعه آزاد و برابر و مرفه را در ایران پایه گذاری کند. این جهت حرکت حزب ما است و خوشبختانه جنبش های اعتراضی و جنبش سرنگونی هم در همین جهت در حال گسترش و پیشروی هستند.



فرکانس

تلویزیون کانال جدید

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.